

معرفی الگوی کلان شبکه‌ای ارتباطات حوزوی

معرفی الگو

هنگامی که از روابط حوزوی و ارتباطات آن صحبت می‌کنیم، با نگرش نظام‌مند و سیستمی به عناصری مواجه هستیم که **۱** با هم متفاوتند، **۲** در هم تأثیر و تأثر دارند و **۳** در جهت دستیابی به هدفی واحد یک مجموعه و یک کل تشکیل می‌دهند.

این روابط و اجزا به دو بخش **۱** درون و **۲** بیرون تقسیم می‌شود؛ بخشی روابط درونی حوزه را شکل می‌دهد و بخشی دیگر روابط بیرونی آن را. در بخش ارتباطات درونی حوزه باید از نهاد مرجعیت و بیوت صحبت کنیم، از طلاب، اساتید حوزه، فضلا، مدارس علمیه، شورای عالی، دفتر تبلیغات و سایر مراکز حوزوی. این بخش از ارتباطات فعلاً موضوع بحث در طراحی الگوی حاضر نیست.

توجه ما در این الگو به بررسی روابط بیرونی حوزه علمیه است. ارتباط با عناصر و اجزای اجتماعی **۱** داخل و **۲** خارج از کشور. اگر چه بسیاری از این قبیل عناصر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی قابل برشمردند، اما به آن‌هایی بایستی پردازیم که تأثیرگذارترین روابط را شکل می‌دهند.

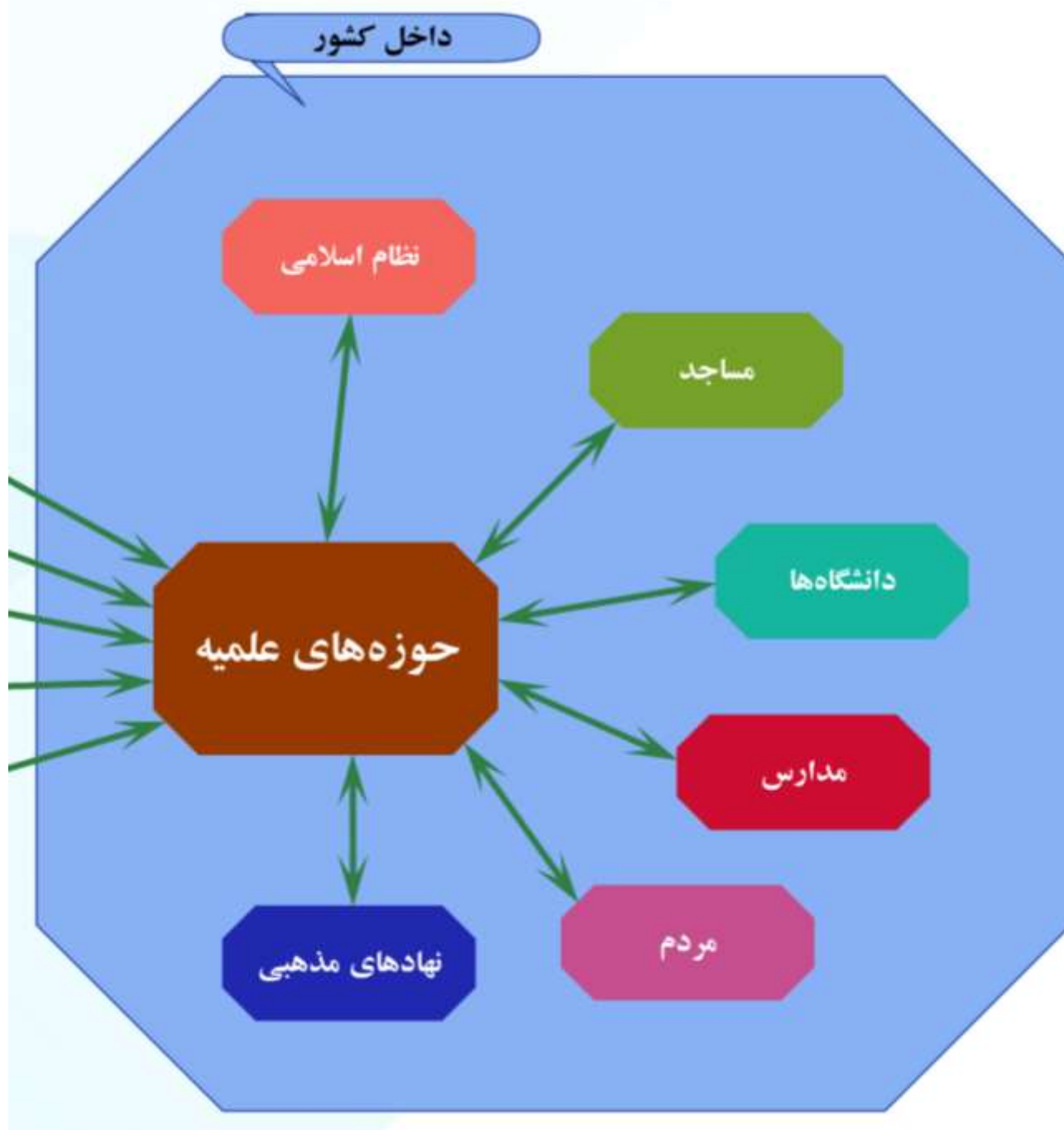
از آن رو که به جزئیات راهکنش‌ها، راهکارها و برنامه‌های ارتباطی میان این اجزا نمی‌پردازیم، به دنبال الگویی هستیم که راهبردها را ترسیم نماید و در سطح «کلان» باقی بماند. باقی مسیر توسط کارشناسان هر بخش باید به صورت مجزاً تحلیل و طراحی شود.

غرض از الگوی «شبکه‌ای» نیز دستیابی به روشی در ارتباط است که به جای روابط دستوری مستقیم و یک به یک، تبدیل به ارتباطات موازی، متکثر و غیرمنحصر شود. به نحوی که طرفین ارتباط بتوانند واسطه در برقراری روابط جدید با سایر اجزا شوند و هر یک قادر به توسعه شبکه ارتباطی خود و افزایش مخاطبان خود گردند، بدون این که ناگزیر به گزارش به مرکز و ثبت در یک نهاد مرکزی باشند. استقلال عناصر و اجزا مهم‌ترین رکن در الگوی ارتباط شبکه‌ای است؛ در تأمین منابع، در تصمیم‌گیری، در برنامه‌ریزی و اجرا.

الگوی روابط داخلی

حوزه‌های علمیه و رای ساختار درونی خود، با **۱** نهاد حاکمیت و حکمرانی جمهوری اسلامی ایران، یعنی نظام اسلامی در ارتباط هستند. **۲** مساجد پایگاه اصلی مذهب، با **۳** دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، با **۴** مدارس آموزش و پرورش به عنوان تأمین‌کننده منابع و ظرفیت انسانی نسل بعد، با **۵** نهادهای مذهبی مستقل و غیردولتی و همچنین با خیل عظیم **۶** مردم که خارج از تمامی ساختارهای فوق هستند.

روابط تأثیرگذار و تأثیرپذیر حوزه‌های علمیه با هر یکی از نهادهای شش‌گانه فوق که در داخل کشور عمل می‌کنند مبتنی بر راهبردهای کلان شبکه‌ای متفاوتی است که باید توصیف گردد.



نظام اسلامی

معرفی وضعیت

حوزه علمی «مادر» نظام است. کشور ایران در طول تاریخ دستخوش تعرضات استعماری و استثمار فرآوانی بوده است؛ هم از سوی سلاطین جور داخلی و هم از سوی دُول خارجی شرقی و غربی؛ خلفای اموی و عباسی، مغول‌ها، پرتغالی‌ها، انگلیسی‌ها، آمریکایی‌ها. در تمام این قرون، علمای بیدار شیعه به عنوان حصنی حصین از استقلال مردم دفاع کرده و برای ارتقای آگاهی‌های اجتماعی تلاش کرده‌اند. صدها سال مبارزه، در نهایت به تحقق یک نظام سیاسی اسلامی منتهی شد؛ جمهوری اسلامی ایران. این نظام اسلامی برآمده از پنداری حوزوی و عملکردی دین‌مبناست. از این روست که حوزه مادر این نظام دانسته می‌شود. حوزه و نظام به هم وابسته‌اند؛ منافع مشترک و مضار مشترک. آسیب هر کدام آسیب به دیگری است و تعالی هر یک منجر به تعالی دیگری می‌شود. این وابستگی شدید باید در راهبردهای ارتباطی این دو نهاد اجتماعی دیده شود.

راهبردهای ارتباطی

۱. حوزه باید تمامی نیازهای خود به منابع اقتصادی را از نظام اسلامی مطالبه کند و نظام اسلامی موظف به تأمین تمامی مایحتاج حوزه‌های علمیه است.
۲. نظام اسلامی موظف است به حمایت سیاسی خود از حوزه‌های علمیه با شدت و حدت تمام ادامه دهد و در تمامی روابط داخلی و خارجی پشتوانه حوزه‌های علمیه باشد.
۳. حوزه علمیه باید ساختارهای نهاد حاکمیت را به خوبی بشناسد و نیازهای فرهنگی و دینی هر یک را جداگانه و مستقل از اجزای دیگر تحلیل و ارزیابی کند.
۴. حوزه‌های علمیه تأمین‌کننده محتوای فرهنگی اجزای نظام اسلامی هستند؛ باورها و اعتقادات، احکام، اخلاق و دستورالعمل‌های رفتاری. با توجه به اجزای گسترده نظام، حوزه‌ها باید محتوای فرهنگی مورد نیاز را به تفکیک هر بخش از نظام تولید و ارائه نمایند.
۵. بخش‌هایی از نظام اسلامی نیازمند کارشناسان و متخصصان دینی است؛ قضات، ائمه جمعه، نمایندگان ولی فقیه. حوزه علمیه موظف است این نیروهای انسانی را دقیقاً منطبق با نیاز نظام اسلامی تولید کرده و پرورش دهد و به نظام معرفی نماید.



مساجد

معرفی وضعیت

مساجد پایگاه حوزه است. مسجد از ابتدا خانه اهل علم بوده است. هر اتفاق مهم اجتماعی که حوزه در آن تأثیرگذار بوده، از مسجد آغاز شده است. مسجد نقطه ارتباط حوزه با مردم است. نظام اسلامی به تبع سایر عناصر اجتماعی که مدیریت آن را بر عهده گرفته است، طبیعتاً مدیریت مساجد را نیز در اختیار گرفت. شاید با این گمان که حوزه قدرت مدیریت کافی برای اداره این نهاد را به صورت مستقل از حاکمیت ندارد. در حال حاضر این پایگاه حوزوی توسط چهار منبع قدرت به صورت مستقل مدیریت می‌شود که معمولاً در تعارض با هم بوده و ایجاد بحران و مسئله می‌کنند؛ نخست ① هیئت امناست و سپس ② امام جماعت که اختیاراتی دون هیئت امناء دارد. ③ پایگاه بسیج نیز مستقل از دو رکن قبل و توسط ساختاری متفاوت اداره می‌گردد و همواره در مسجد حضور دارد. ④ کانون‌های فرهنگی نیز مدتی‌ست صاحب قدرت شده و بخشی از مدیریت مسجد را طلب می‌کنند. این وضعیت پایدار نیست و بایستی اصلاح گردد.

البته که نمی‌توان بسیج را از نیروی مقاومت سپاه منفک کرد، همچنین کانون فرهنگی را. اما درست مانند زمانی که نیروی زمینی و هوایی در یک عملیات مشارکت می‌کنند، فرمانده یک نفر بیشتر نیست، اگر چه هر نیرو ساختار فرماندهی مستقلی دارد، اما این را نیروهای نظامی به خوبی درک می‌کنند که در منطقه عملیاتی فرماندهی واحد لازم است. امام

جماعت فرمانده واحدیست که مسجد به آن نیاز دارد. این مهم‌ترین رکن حضور حوزه در مساجد است.

راهبردهای ارتباطی

۱. مسجد آمار و اطلاعات به حوزه می‌دهد. در نیازسنجی اجتماعی؛ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی. بدون اطلاعاتی که از مساجد بیاید، حوزه علمیه کور است. مسائل منطقه‌ای را نمی‌شناسد و قدرت پیش‌بینی و پاسخگویی به چالش‌های اجتماعی را نخواهد داشت.
۲. مسجد محل تحقق آرمان‌های اجتماعی حوزه است. حوزه‌های علمیه با آینده‌پژوهی برنامه‌ریزی می‌کنند و منطقه عملیاتی آن‌ها منبر مساجد است. تبلیغ مهم‌ترین فعالیت حوزه‌های علمیه برای هدایت جامعه در مسجد محقق می‌شود.
۳. حوزه علمیه موظف است نیروهای مورد نیاز تمامی مساجد کشور را متناسب با نیازها و مختصات هر منطقه تولید و تأمین نماید.
۴. حوزه علمیه نسبت به نیازهای فرهنگی مناطق تحت نفوذ مساجد پاسخگوست. قصور و تقصیر در تأمین این نیازها مستقیماً متوجه حوزه علمیه است.



دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی

معرفی وضعیت

حتی اگر تا پیش از ورود به دانشگاه تربیت کاملی برای انسانی تدارک دیده شده باشد، جوانی که تحصیلات تکمیلی و عالی خود را آغاز می‌کند، با حجم عظیمی از شبهاتی مواجه می‌شود که اصل دین‌داری او را هدف گرفته‌اند؛ خدا هست یا نیست؟ دنیا آغاز و مبدأ دارد یا ندارد؟ همه چیز به بیگ‌بنگ بر می‌گردد یا جهان از صفر خلق شده است؟ انسان‌ها می‌موند و فرگشت عامل اصلی پیدایش حیات است؟

علم و دانش پس از رنسانس عمیقاً سکولار، بل لائیک است. این ناسازگاری عمیق و ریشه‌دار علوم جدید با دین تمامی باورهای دانشجوی مسلمان را هدف می‌گیرد و منهدم می‌کند. این‌جاست که او در کنار خود نیاز به راهبر معنوی دارد. حوزه علمیه باید در دانشگاه و در کنار دانشجو حاضر باشد.

راهبردهای ارتباطی

۱. دانشگاه‌ها باید فضایی برای حضور نماینده حوزه فراهم نمایند، با تمامی امکانات سیاسی و اقتصادی مورد نیاز. نماینده حوزه باید بتواند نشست برگزار کند، با دانشجویان ارتباط نزدیک داشته باشد، به پرسش‌ها پاسخ دهد

- و در فضایی آزاد و به دور از جنجال‌های سیاسی بتواند با آن‌ها در تعامل و گفتگو باشد.
۲. آخرین شبهات و مسائل و چالش‌های اعتقادی و اخلاقی در دانشگاه‌ها باید در اختیار حوزه قرار گیرد. مراکز پژوهشی حوزوی اگر به موقع مطلع شوند، می‌توانند به موقع هم پاسخ دهند.
۳. حوزه‌های علمیه موظف هستند برای هر دانشگاه، هر دانشکده، هر پردیس، چه خصوصی و چه دولتی، نماینده معرفی کنند. نماینده مزبور باید از علوم جدید بیگانه نباشد و در پاسخ به شبهات متخصص. او لازم است از میان روحانیان صبور و اهل مدارا و گفتگو انتخاب گردد.
۴. شبهات هر روز تولید می‌شوند و حوزه علمیه موظف است هر روز پاسخ‌های جدید تولید کند.



مدارس آموزش و پرورش

معرفی وضعیت

مدارس ابتدایی و متوسطه از آن رو حائز اهمیت است که شخصیت انسان آینده را شکل می‌دهد و انسان آینده هم جامعه آینده را. پیشتر این وظیفه هر خانواده بود که نسل بعد جامعه را شخصیت دهد. خانواده‌های امروز قادر بودند جامعه آینده را طراحی کنند. اما در جامعه‌ای که اقتصاد آن بر نظام سرمایه‌داری مبتنی است خلع شده است. وقتی هم پدر و هم مادر ناگزیر به کار هستند، تا بتوانند فرایندهای اعضای خانواده را تأمین کنند، فرصت شخصیت‌سازی نسل بعد را عملاً به بیرون از خانه واگذارده‌اند. این فرصت در اختیار ① مهدکودک‌ها، ② پیش‌دبستانی‌ها و مدارس در دو دسته: ③ ابتدایی‌ها و ④ متوسطه‌ها قرار گرفته است. حوزه علمیه ناگزیر است در این قلمرو حاضر شود، تا باورهای آینده جامعه را حفظ کند.

راهبردهای ارتباطی

۱. حوزه علمیه موظف است برای هر کدام از این چهار نهاد فرهنگی جامعه برنامه تولید کند. البته برنامه‌هایی که متناسب با نیازها و توان درک هر سطح از مخاطب باشد.
۲. حوزه علمیه باید نیروهای انسانی مورد نیاز برای تربیت مخاطب در این چهار سطح را تولید کند و سازوکاری تدارک نماید که این نیروها بتوانند در مقصد حضور پیدا کرده و نقش مربی و نه دبیر را بازی کنند.
۳. مدارس آموزش و پرورش باید امکانی فراهم کنند تا نماینده حوزه به عنوان مربی حضور مؤثر پیدا کرده و نقش خود را بتواند به انجام برساند.
۴. آمار و اطلاعات جمعیتی مخاطبان و نیازهای بالفعل آن‌ها را مدارس باید در اختیار حوزه قرار دهند، تا بتواند در برنامه‌ریزی‌ها با دقت عمل کند.



نهادهای مذهبی

معرفی وضعیت

به طور طبیعی در هر جامعه‌ای گروه‌هایی از مردم به صورت خودجوش شکل می‌گیرند که مقاصد خیرخواهانه دارند. گروهی تصمیم می‌گیرند برای نیازمندان پول جمع کنند، بعضی صندوق‌های قرض‌الحسنه. گروهی غذا می‌پزند و نذری می‌دهند. برخی هم نیازهای معنوی، مشاوره‌ای، حل اختلاف و یا حتی دم و دستگاه همسریابی راه می‌اندازند. همه این گروه‌های خیر و خیرخواه مذهبی نیاز به هدایت و راهبری دارند. خطا و اشتباه در برنامه‌ریزی و مدیریت نهادهای مذهبی مردمی و غیردولتی همیشه ممکن است روی دهد.

گاهی هم چه بسا خودجوش نبوده و پشت پرده یک فعالیت خیرخواهانه، بخشی از برنامه عملیاتی دشمن پنهان باشد. دستی نامرئی که قصد سوء برای جامعه دارد. می‌خواهد گروهی را بفریبد و از دین خارج کند، یا اختلاف بیاندازد و بر تعارضات مذهبی دامن بزند.

در همه این موارد حضور حوزه علمیه لازم است، محکم و با اقتدار و با برنامه کاملی برای ارتقای وضعیت و افزایش کارآمدی این نهادهای مذهبی؛ حسینی، تکیه، فاطمیه، اعتکاف، زیارت عتبات، کاروان حج، موبک.

راهبردهای ارتباطی

۱. حوزه علمیه موظف است جامعه را توجیه و آگاه نماید که هر فعالیت مذهبی و خیرخواهانه لزوماً نیازمند حضور فیزیکی و معنوی یک روحانی است. روحانی‌ای که از طرف حوزه تأیید شود.
۲. حوزه علمیه باید نیروهای انسانی راهبر نهادهای مذهبی را تولید و تأمین کند.
۳. حوزه علمیه موظف است به صورت شبکه‌ای از طریق نیروهای میدانی خود نسبت به تشکیل نهادهای مذهبی آگاهی یابد و به موقع راهبر مورد تأیید خود را معرفی کند.
۴. نهادهای مذهبی باید پذیرای این راهبر بوده و با او همکاری نمایند و بدانند که در غیر این صورت رفتارهای آنها حجیت مذهبی نداشته و معلوم نیست مستوجب ثواب و پاداش اخروی باشد. چه بسا شر است که در لباس خیر خود را بزرگ کرده است.
۵. عملاً حوزه علمیه است که مجوز فعالیت تمامی نهادهای مذهبی داخل کشور را اعطا می‌کند و بدون این مجوز نهادهای حکومتی می‌توانند از ارائه خدمات به نهادهای مذهبی خودداری کرده و آنها را به رسمیت نشناسند. اگر حوزه به درستی وظیفه خود را نسبت به نهادهای مذهبی انجام دهد، نظام اسلامی می‌تواند با اقتدار مانع فعالیت نهادهای مذهبی بدون راهبر مذهبی گردد و آنها را غیرمجاز تلقی نماید.



مردم

معرفی وضعیت

اگر چه بخشی از مردم همان‌هایی هستند که در مساجد حضور می‌یابند، در نهادہای مذہبی فعالیت می‌کنند. بخشی از مردم دانشگاه می‌روند یا در مدارس حضور دارند. ولی همه مردم کہ این‌ها نیستند. بخشی از مردم در هیچ نقطه‌ای با حوزه علمیہ و روحانیون تلاقی ندارند. این‌ها را حوزه باید کجا بہ سراغشان برود؟ آن‌ها چطور باید سراغ حوزه علمیہ بیایند، اگر نیازی داشته باشند؟

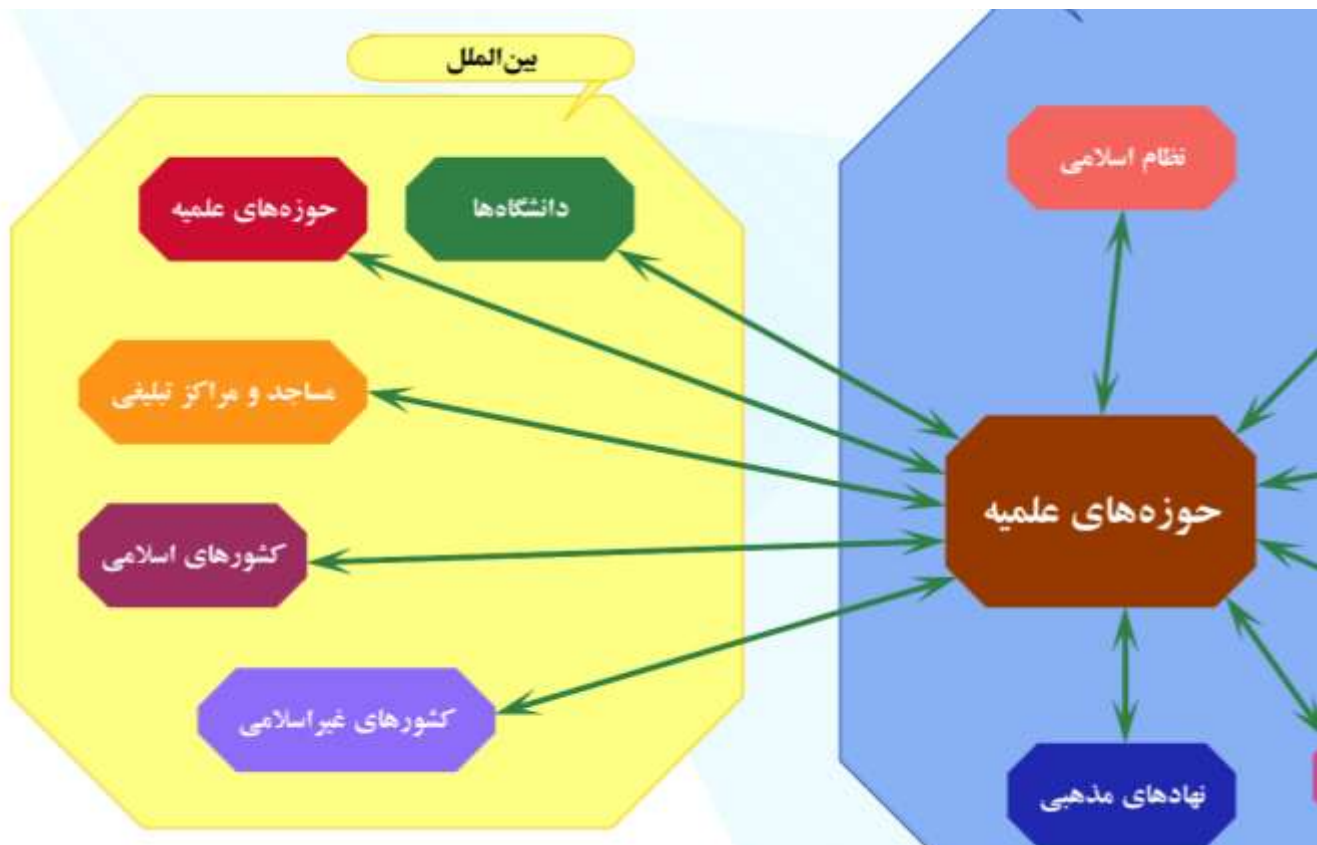
راہبردهای ارتباطی

۱. حوزه علمیہ موظف است راہهای ارتباطی سهل و سادہ‌ای فراهم کند تا ہر فردی از جامعہ بتواند ہر زمان کہ نیاز داشت با حوزه علمیہ مرتبط شدہ و نیازهای خود را طرح کند. راہهایی مانند: پیامک، پیام‌رسان، تلفن، ایمیل یا حتی مکانی کہ بشود حضوری مراجعہ کرد.
۲. حوزه باید از طریق رسانہ‌های گروہی؛ تلویزیون و رادیو و همچنین تبلیغات محیطی مردم را نسبت بہ روش‌های ارتباطی آگاہ نماید، بہ نحوی کہ ہر فردی دقیقاً بداند از چہ روشی می‌تواند مستقیم با حوزه علمیہ تماس بگیرد و بدون نگرانی مطالب خود را بیان نماید.
۳. تماس مستقیم مردمی با حوزه فرصتی فراهم می‌کند کہ حوزه علمیہ با سرعت و دقت بتواند نیازهای اجتماعی جامعہ را بشناسد و در برنامه‌ریزی‌های خود لحاظ کند.



روابط حوزه علمیه در عرصه بین‌الملل را می‌توان خیلی ساده و با یک خط ترسیم کرد، به نحوی که یک سوی آن حوزه باشد و سوی دیگر «بین‌الملل». ولی این تحلیل کافی و وافی به مقصود نیست. اقتضائات رابطه حوزه‌های علمیه و روحانیون با ① کشورهای اسلامی قطعاً فرق می‌کند با ② کشورهای غیراسلامی. شیوه حضور مؤثر حوزه علمیه در ③ دانشگاه‌های خارج از کشور متفاوت است ④ حوزه‌های علمیه شیعه و سنی خارج از کشور. همچنین است نسبت به ⑤ مساجد و مراکز تبلیغی فعال در بیرون از مرزهای جمهوری اسلامی.

باید وضعیت هر کدام از این مخاطبان را شناسایی کرده و راهبردهای ارتباطی با هر یک را به نحوی طراحی نماییم که به صورت شبکه‌ای قابل توصیف و توسعه باشد.



دانشگاه‌های خارج از کشور

معرفی وضعیت

برخی دانشگاه‌های دنیا در رشته‌های اسلام‌شناسی و شرق‌شناسی کرسی‌های معروف و معتبری دارند. یکی از وظایف حوزه‌های علمیه ارتباط با این مراکز دانشگاهی است تا منابع علمی آن‌ها را پاکیزه نمایند. بسیاری از این دانشگاه‌ها تصویری صوفیانه از اسلام برداشت کرده و همان را پیوسته تدریس می‌نمایند. مسلمانان را بیشتر با نام حشاشین (اسماعیلیه) می‌شناسند و معارف اسلامی را به سمت مبانی مسیحیت کشانده، باطن‌گرا تفسیر می‌کنند.

البته دانشگاه ادیان و مذاهب و دانشگاه مفید در این ارتباط پیش‌تاز بوده و فعالیت‌هایی انجام داده‌اند. ولی شایسته آن است که حوزه‌های علمیه به عنوان منبع سره مبانی دینی، خود به میدان وارد شود و این تعاملات علمی را رقم بزند. از اساتید مبرز برای حضور در نشست‌های علمی دعوت به عمل آورد و اساتید و فضلاء حوزوی را برای تدریس به این دانشگاه‌ها معرفی کند.

راهبردهای ارتباطی

۱. حوزه علمیه موظف است دانشگاه‌هایی که در سراسر دنیا دارای کرسی درس اسلام‌شناسی هستند شناسایی کرده و با آنها ارتباط بگیرد. به طور رسمی و با عنوان مشخص، متمایز و ممتاز خود.
۲. حوزه علمیه موظف است برخی از فضایی حوزه را برای تدریس در این دانشگاه‌ها آماده نماید و در تعاملات خود معرفی کند.
۳. اطلاعات و آماری که از ارتباط با مراکز علمی دنیا به دست می‌آید برای برنامه‌ریزی‌های بعدی مورد استفاده قرار می‌گیرد و منبعی در مسیر آینده‌پژوهی است.



حوزه‌های علمیه خارج از کشور

معرفی وضعیت

حوزه‌های علمیه شیعه منحصر در قم و نجف نیست. هند یکی از مهم‌ترین حوزه‌های علمیه شیعه جهان را دارد، در شهر لکنو (Lucknow) مرکز ایالت اوتار پرادش. پاکستان حوزه علمیه دارد. لبنان حوزه علمیه دارد. یکی از رسالت‌های حوزه علمیه قم شناسایی و برقرار ارتباط با تمامی حوزه‌های علمیه جهان است. هم حوزه‌های علمیه شیعه‌مذهب و هم مذاهب اربعه اهل سنت. ارائه آخرین دستاوردها و نظریات علمی در حوزه علمیه قم به این مراکز اهمیت دارد و در مقابل ایجاد فرصتی برای سفرهای علمی و برگزاری نشست‌های تخصصی مشترک.

راهبردهای ارتباطی

۱. شناسایی تمامی حوزه‌های علمیه در همه کشورهای دنیا که علوم اسلامی به روش سنتی یا مدرن در آنها تدریس و تحصیل می‌شود. حوزه علمیه موظف این حوزه‌ها را شناسایی کرده و با آنها ارتباط علمی و اطلاعاتی برقرار نماید. آخرین دستاوردهای حوزه را در اختیارشان گذاشته و از آخرین فعالیت‌های آنها آگاه شود.
۲. حوزه علمیه باید اساتیدی را برای تدریس در این حوزه‌های خارج از کشور مهیا نموده و اعزام کند، تا حوزه نفوذ علمی خود را در سراسر دنیا گسترش دهد.
۳. بازگشت این اساتید از سفرهای علمی دست خالی نخواهد بود. هم نیازهای علمی جهان اسلام را می‌شناسند و هم رویکردهای متفاوت این حوزه‌ها را با خود به کشور آورده و سبب تضارب آرا و ارتقای سطح علمی دروس حوزوی می‌شوند.
۴. ایجاد فرصتی برای اساتید حوزه‌های خارج از کشور تا در دوره‌های آموزشی حوزه قم شرکت کنند.



مساجد و مراکز تبلیغی خارج از کشور

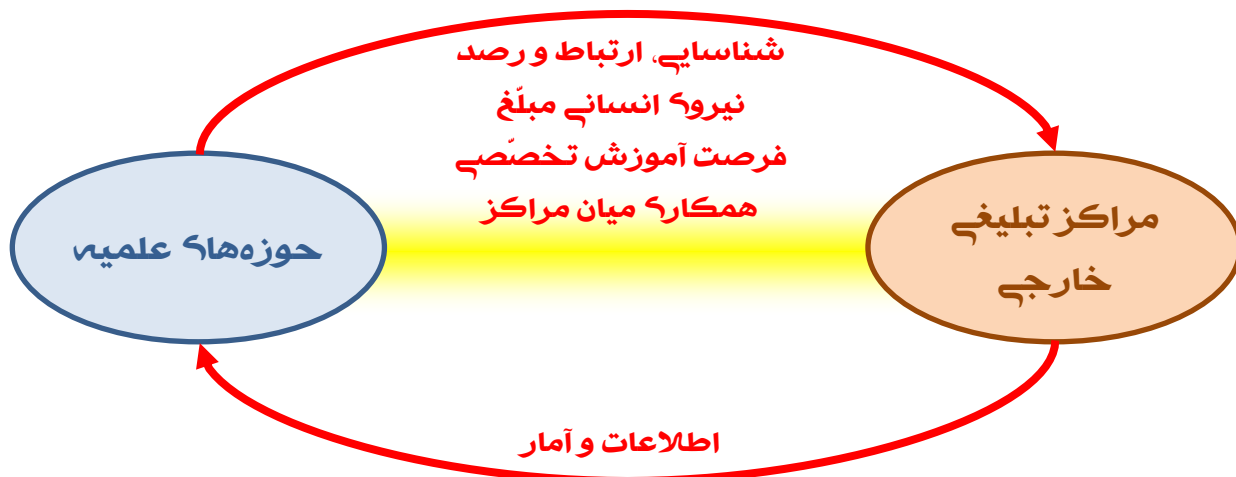
معرفی وضعیت

قبل تر رسم بوده و هنوز هم شاید، از فلان مسجد خارج از کشور به نزد مرجع تقلید مشهوری آمده و درخواست امام جماعت مورد اعتماد و دارای اعتبار علمی می‌کردند. این روند باید سازمانی شود و تحت پوشش حوزه علمیه به صورت منظم به انجام رسد. حوزه‌های علمیه همان‌طور که نسبت به مساجد و نهادهای مذهبی داخل کشور وظیفه دارند، نباید از فرصت‌های حضور جهانی چشم‌پوشند و غفلت کنند.

بسیاری از مراکز تبلیغی و خیریه خارج از کشور مشتاق ارتباط با حوزه علمیه قم هستند و اصلاً امیدی به این تعامل و همکاری ندارند. گمان مثبتی به امکان آن ندارند. حوزه موظف است تا پیش‌قدم شود، ارتباط بگیرد و نماینده مذهبی معرفی کند و فعالیت این نهادها و مساجد را پیوسته رصد کند.

راهبردهای ارتباطی

۱. شناسایی، ارتباط و رصد پیوسته فعالیت‌های مساجد و مراکز تبلیغی اسلامی خارج از کشور وظیفه قهری و جبری حوزه‌های علمیه به عنوان خلفای انبیا و هادیان بشر است.
۲. حوزه‌های علمیه باید گروهی از فضلاء خود را آماده کنند تا بتوانند به عنوان نماینده مذهبی در مساجد خارج از کشور حاضر شوند و فعالیت تبلیغی انجام دهند. در این زمینه می‌تواند از ظرفیت‌های جامعه المصطفی و سازمان فرهنگ و ارتباطات بهره‌برد که در حال حاضر پیش‌تاز حضور تبلیغی در خارج از کشور هستند. دو مجمع جهانی: اهل بیت (ع) و تقریب مذاهب اسلامی نیز پشتوانه این ارتباط خواهند بود. ولی اگر حوزه رأساً و با عنوان شناخته‌شده خود حضور جهانی پیدا کند، موفقیت‌های بیشتری حاصل خواهد شد.
۳. حوزه باید فرصتی فراهم کند تا مؤسسان نهادهای مذهبی و مراکز تبلیغی غیرایرانی بتوانند آموزش‌های علمی و تخصصی مورد نیاز را به رایگان و آسان دریافت نمایند، حضوری یا غیرحضوری.
۴. داده‌ها و اطلاعاتی که از فعالیت‌های این مراکز و مساجد به دست می‌آید می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی در حوزه‌های علمیه قرار گیرد و نقشه‌ای جامع از وضعیت جهانی تبلیغ اسلام فراهم کند. تعداد و نسبت پیروان ادیان در هر منطقه، هر مذهب، هر فرقه و گروه، حجم زیادی از اطلاعات که آینده‌پژوهی و پیش‌بینی تغییر وضعیت ادیان و پیروان آن‌ها را در جهان ممکن می‌سازد.
۵. حوزه علمیه موظف است به عنوان محور ارتباط و تعامل، همکاری مراکز تبلیغی اسلامی شیعی در جهان را تسهیل نماید. همه این نهادها هم را بشناسند و از ظرفیت‌های یکدیگر آگاه گردند و به صورت مستقل با هم تماس گرفته و پروژه‌های مشترک تبلیغی تعریف نمایند.



نهادهای رسمی کشورهای اسلامی

معرفی وضعیت

جمهوری اسلامی ایران در هر کشوری که سفارتخانه دارد، غیر از سفیر یک رایزن فرهنگی هم دارد. هم این رایزن فرهنگی و هم نهادهای فرهنگی رسمی کشورهای اسلامی بایستی مستقیم با حوزه‌های علمیه مرتبط باشند. وضعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه هدف را گزارش نمایند و برنامه‌های تبلیغی حوزه‌های علمیه را اجرا نمایند. فرصت‌های موجود در کشورهای اسلامی خیلی بیشتر است و حوزه علمیه می‌تواند با حمایت نظام اسلامی با مراکز فرهنگی و آموزشی دولتی این کشورها تماس گرفته و برنامه‌های فرهنگی تدارک ببیند. هدف این است که با مراقبت و پرهیز از مواجهه سیاسی، بتوانیم رسالت تبلیغی اسلامی خود را به انجام رسانده و آئین راستین الهی را به گوش مردم جهان برسانیم. این وظیفه نهادی حوزه علمیه است.

راهبردهای ارتباطی

۱. تأسیس مدارس علمیه و مراکز تبلیغی رسمی زیر نظر رایزن فرهنگی یا مستقیم با نظارت حوزه علمیه یا انواع دیگر از مراکز آموزشی وظیفه اصلی حوزه علمیه در کشورهای اسلامی است.
۲. حوزه علمیه باید معرف اصلی رایزن فرهنگی و تأییدکننده شایستگی وی باشد. با او مرتبط باشد و برنامه‌های فرهنگی کشور اسلامی هدف را سامان دهد.
۳. دستاورد ارتباط با رایزن فرهنگی و مراکز فرهنگی رسمی این کشورها دسترسی به اطلاعات و آمار دقیق از وضعیت فرهنگی این کشورهاست که منبع اصلی برنامه‌ریزی است.



معرفی وضعیت

فعالیت در کشورهای غیراسلامی حساسیت بیشتری دارد. جامعه‌ای که مردم آن پیرو دینی متفاوت هستند، نسبت به تبلیغ ادیان مخالف معمولاً ملاحظاتی خواهند داشت. استعمارگران غربی صدها سال این حساسیت جوامع را شناخته و برای حضور سیاسی، دست به تأسیس مراکز خیریه و مدارس آموزشی رایگان می‌زدند. مردم وقتی کمک آن‌ها را می‌دیدند گمان به حُسن نیت‌شان برده و حضورشان را می‌پذیرفتند. این میسیونرهای مذهبی کم‌کم نفوذ فرهنگی و سیاسی پیدا کرده و تغییرات مورد نظر خود را در جامعه مخاطب آغاز می‌کردند. حوزه علمیه قصد استعمار یا فریب جوامع جهانی را ندارد، ولی قصد هدایت و اطلاع‌رسانی را که دارد. وظیفه ذاتی و نهادی او چنین ایجاب می‌کند، تا کلام حق را به گوش همه مردم جهان برساند.

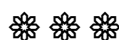
راهبردهای ارتباطی

۱. حوزه علمیه باید ضمن ارتباط با مراکز خیریه فعال در کشورهای غیراسلامی، در حمایت از مستضعفان با آن‌ها همکاری نماید و منبع اعتباری برای فعالیت‌های انسان‌دوستانه آنان گردد.
۲. این مطلب نیاز به ارتباط وثیق با رایزن فرهنگی و جمع‌آوری اطلاعات از جامعه مخاطب دارد.
۳. وظیفه و تکلیفی که حوزه‌های علمیه به عنوان جانشین انبیا در میان بشریت دارند، ابتدا و اولاً حمایت از مستضعفان است. بنابراین در کشورهای غیراسلامی حضور تبلیغی جای خود را به حضور آگاهی‌بخش می‌دهد. چه این‌که صرف آزاد شدن انسان‌ها از یوغ ستم، خود فرصتی‌ست برای آزاداندیشی و یافتن راه هدایت. همین‌که مردم بدانند یک گروه هستند که بی‌توقع، خدمتگزار هم‌نوع خود هستند و این را وظیفه دینی خود می‌دانند، انگیزه می‌شود تا باورهای دینی راستین و حق را مطالعه و بررسی کنند.



ارتباط شبکه‌ای

روحانیون، امامان جمعه و جماعت، مدرّسان و تمامی فعالان اجتماعی مذکور در سند فوق هیچ یک کارمند حوزه نیستند و نه حقوق‌بگیر و مطیع دستورات. مساجد و مراکز نیز زیرمجموعه سازمانی حوزه نخواهند شد. بلکه خدماتی که حوزه در اختیار مخاطبان خود قرار می‌دهد به نحوی خالصانه، بر پایه مبانی دینی و مستحکم است که خود این افراد و نهادها سرزندگی و اعتبار و به روز بودن را در ارتباط با حوزه می‌بینند. یعنی ارتباط در ضمن استقلال.



الگوی کلان شبکه‌ای ارتباطات حوزوی

